

چه کسی فیلم شاملو را ساخت؟

نگاهی به کتاب «شاملو، شاعر بزرگ آزادی» نوشته بهمن مقصدلو

پرویز جاهد

jahed@radiozamaneh.com

رادیو زمانه تاریخ انتشار: ۱۹ شهریور ۱۳۸۷

http://radiozamaaneh.com/jahed/2008/08/post_307.html

انتشار فیلمنامه فیلم‌های مستند نه تنها در ایران بلکه در غرب نیز امر رایجی نیست. کمتر ناشری حاضر است فیلمنامه یک فیلم مستند، هرچند از نظر سینمایی برجسته را منتشر کند. چرا که سینمای مستند مخاطبان خاص و محدودی دارد و سرمایه‌گذاری در این زمینه سود چندانی برای ناشران ندارد. در چنین شرایطی انتشار فیلمنامه فیلم مستند «احمد شاملو، شاعر بزرگ آزادی» به‌وسیله انتشارات شرکت کتاب در لوس‌آنجلس، اقدامی شایسته و درخور توجه است. فیلمی که بهمن مقصدلو، منتقد فیلم و تهیه‌کننده فیلم‌های کوتاه و مستند آن را در سال ۲۰۰۰ با کمک برادرش بهروز مقصدلو و به کارگردانی مسلم منصوروی تهیه کرد و تنها فیلم مستندی است که درباره‌ی احمد شاملو در زمان حیاتش ساخته شده است.

به نظر می‌رسد مقصدلو با انتشار این کتاب دو هدف داشته است: یکی شرح داستان تهیه‌ی این فیلم و کشمکش‌های او به‌عنوان تهیه‌کننده فیلم با کارگردان آن یعنی مسلم منصوروی بر سر ساختار فیلم و مسایل مالی آن داشته و دیگر ادای دینی به برادرش بهروز مقصدلو، آرشیتکت و تهیه‌کننده فیلم‌های مستقل که به تازگی بر اثر سکت قلبی در ایران در گذشت و کتاب به او تقدیم شده است.

کتاب مقصدلو با یادداشتی از او در وصف برادرش بهروز و غم از دست دادن او شروع شده و با مقدمه‌ای کوتاه در معرفی احمد شاملو همراه با سال‌شمار زندگی و کار او ادامه می‌یابد.

مقصدلو در ابتدای کتاب درباره‌ی فیلمنامه فیلم شاملو می‌نویسد:

«این فیلم دارای فیلمنامه نبود و کار با نسخه‌ای شروع شده بود که مورد موافقت احمد شاملو قرار نگرفت، در نتیجه تهیه‌کننده در دو تدوین جدید در تهران و نیویورک ساخت جدیدی به کار داد. فیلمنامه‌ی آمده در این کتاب از روی آخرین نسخه‌ی تدوین شده در نیویورک پیاده شده است.»

جدا از فیلمنامه که به دو زبان فارسی و انگلیسی در کتاب آمده؛ بخش مهمی از کتاب مربوط است به شرح چگونگی تولید این فیلم مستند که در واقع پاسخ بهمن مقصدلو به اظهارات آقای مسلم منصوروی، کارگردان فیلم است که ظاهراً در مصاحبه‌ای در مجله‌ی سیمرغ مطالبی در مورد فیلم و تهیه‌کننده‌ی آن یعنی آقای مقصدلو گفته که ایشان را واداشته تا این کتاب را که به اعتقاد او بیانش «ضروری و محتوایش حقیقت محض» است منتشر کند.

مقصدلو در مقدمه‌ی کتاب در این‌باره می‌نویسد: «شاید این کتاب هرگز آفریده نمی‌شد اگر آقای منصوروی نوع دیگری در این فیلم عمل کرده بود.»

این بخش از کتاب که پیش از این در ماه‌های جون و جولای سال ۲۰۰۱ در روزنامه کیهان لندن به چاپ رسیده بود و حال با اندکی تغییرات دوباره منتشر شده است، برای کسانی که اختلاف بین تهیه‌کننده و کارگردان این فیلم را دنبال می‌کردند، نکته‌ی چندان تازه‌ای در بر ندارد، اما برای کسانی که فیلم را دیده‌اند و از این ماجرا کاملاً بی‌خبر هستند، حاوی نکات جذابی است.

این‌که به روایت مقصدلو، چگونه مسلم منصوروی، فیلمساز جوان و تازه‌کار به وسیله‌ی محسن مخملباف به برادران مقصدلو معرفی می‌شود تا آن‌ها تهیه‌ی فیلم ویدیویی «آن پرسش سوزان» که منصوروی درباره‌ی شاملو شروع کرده اما به دلایل مالی ناتمام گذاشته بود را به عهده بگیرند.

فیلمی که قرار بود فقط درباره‌ی تصویر کوچی در شعر شاملو باشد، اما به نوشته مقصدولو نتیجه آن از نظر سینمایی
فیلمی بود آماتور، بسیار بد و غیرقابل استفاده.

پس از آن است که مقصدولو تصمیم می‌گیرد و رسیون دیگری از این فیلم با مشارکت برخی از چهره‌های مشهور ادبیات
و سینمای ایران، مثل بهرام بیضایی، جواد مجابی، ضیاء موحد، محمدعلی سپانلو، محمود دولت‌آبادی، ناصر تقوایی،
ایران درودی، اسماعیل نوری‌علاء و عباس کیارستمی را به کارگردانی مسلم منصورى بسازد و از برخی نماهای
ورسیون اول نیز استفاده کند.

درواقع این بخش از کتاب روایت بهمن مقصدولو به‌عنوان تهیه‌کننده از چگونگی تهیه فیلم و میزان نقش مسلم منصورى
به‌عنوان کارگردان در تولید آن است.

بنابراین برای این‌که خواننده به قضاوت دقیق و عادلانه‌ای از حقیقت ماجرا برسد نیاز دارد که روایت آقای منصورى را
نیز در این زمینه بشنود.

خواننده‌ای که اظهارات منصورى را در مجله سیمرخ در سال ۲۰۰۱ خوانده و ورسیون اول فیلم یعنی «آن پرسش
سوزان» را ندیده است قطعاً نمی‌تواند قضاوت درستی در این مورد داشته باشد.
به علاوه مقصدولو نیز هیچ اشاره‌ای به حرف‌های منصورى در مقدمه‌ی طولانی خود نمی‌کند. خواننده واقعاً نمی‌داند که
منصورى چه ادعایی کرده و چه حرف‌هایی درباره‌ی تهیه‌کننده فیلم زده است.
تنها در صفحه ۲۶ از زبان مقصدولو می‌خوانیم:

«ایشان در مصاحبه‌ها و مقالاتشان ادعاهایی نادرست و کذب را در مورد من و جریان ساخته شدن فیلم مطرح می‌کرد.
از نظر من این بی‌حرمتی قابل بخشش نیست به‌خصوص که سبب شده تا به تهیه‌کنندگانی که با حسن نیت پا پیش نهاده و
طرح مردودی از دید شاملو و دیگر صاحب‌نظران را احیا و تکمیل کرده بودند، از نظر مالی ضرر جبران‌ناپذیری
بخورد».

مقصدولو در مقدمه‌اش سعی کرد ثابت کند که مسلم منصورى یک جوان علاقه‌مند، تازه‌کار و بی‌تجربه ولی بسیار
پرمدعا بود که به اعتقاد او بزرگ‌ترین فرصت تاریخی برای تثبیت خود به‌عنوان یک فیلم‌ساز خلاق را با ساختن
ورسیون اول فیلم شاملو یعنی «آن پرسش سوزان» از دست داد.

به نوشته مقصدولو «آقای منصورى متأسفانه نه تصویر می‌شناسد و نه دوربین؛ نه سینما می‌داند و نه میزانشن؛ نه با
استاتیک سینما آشنا است و نه می‌تواند تفاوت جزئی دو تصویر را درک کند».
مقصدولو با ذکر برخی جزئیات پشت صحنه فیلم و نقل قول‌هایی از خود شاملو و عوامل مستقیم درگیر در تولید فیلم مثل
نظام کیایی فیلم‌بردار آن، محمود دولت‌آبادی و عباس کیارستمی درباره‌ی مسلم منصورى، به این نتیجه می‌رسد که
درواقع ورسیون اصلی فیلم شاملو یعنی «احمد شاملو، شاعر بزرگ آزادی» محصول فکر فیلم‌سازی به نام مسلم
منصورى نیست.

بلکه به اعتقاد مقصدولو «اگر کار گروهی عده‌ای آدم مشتاق و عاشق نبود، هرگز این فیلم تاریخی و فراموش‌نشدنی از
یک شخصیت بارز هنری، فرهنگی و سیاسی تاریخ‌ساز که همیشه در تاریخ فرهنگی ما باقی خواهد ماند به‌وجود
نمی‌آمد».

با این حال مقصدولو توضیح نمی‌دهد علی‌رغم این باور که منصورى سازنده واقعی این فیلم نیست چرا نام او را
به‌عنوان کارگردان در تیتراژ فیلم آورده است.

درواقع با این کار اگر فیلم «شاملو، شاعر بزرگ آزادی»، جدا از اهمیت و سندیت آن به‌عنوان تنها فیلم بیوگرافیکال
درباره‌ی یک شاعر مهم ادبیات معاصر ایران دارای ارزش هنری و سینمایی هم باشد، علی‌رغم میل مقصدولو، اعتبار
آن به‌عنوان کارگردان به مسلم منصورى تعلق گرفته که نامش در تیتراژ فیلم به‌عنوان کارگردان آمده است.